

دانشجویان محترم گروه های ۱۳-۱۴-۱۵-۱۶

با سلام و آرزوی صحت و سلامتی یکایک شما دانشجویان عزیز
به استحضار میرساند آموزش غیر حضوری درس روانشناسی
رشد به صورت pdf و در چندین جلسه تقدیم خواهد
شد. نمایندگان کلاس ها پیگیری نمایند که به نحو مطلوب به
اطلاع دانشجویان برسد.

درپناه حق باشید . استاد روانشناسی رشد. دکتر شعبانی

.....

جلسه اول آموزش غیر حضوری درس روانشناسی رشد . ص ۸

تا ۲۹ کتاب رشد لورا برک

مقدمه :روانشناسی رشد تلاش نسبتا جدیدی است تحقیقات درباره کودکان از
اواخر قرن نوزده و اوایل قرن بیست شروع شده بود اما گمانه زنی ها درباره
چگونگی رشد و تغییر افراد به مدت چند قرن وجود داشته است. وقتی این گمانه
زنی ها با پژوهش ترکیب شدند باعث ساخت نظریه های رشد شدند.نظریه یک
سلسله اظهارات منظم و منسجمی است که رفتار را توصیف، توضیح و پیش بینی
و کنترل می نماید. چرا نظریه ها ابزار های مهمی هستند؟ به دودلیل

۱- آنها چارچوب منظمی را برای مشاهدات ما از افراد تعیین میکنند.

۲- نظریه هایی که توسط پژوهش تایید شده اند مبنای دقیقی را برای اقدام

عملی در اختیار میگذارند. نظریه ها با عقیده معمولی تفاوت مهمی دارند و

این است که ادامه وجود یک نظریه به تایید علمی نیاز دارد. در حوزه علم رشد نظریه های متعددی وجود دارند که دیدگاه های متفاوتی را درباره اینکه افراد چگونه هستند و چگونه تغییر می کنند ، ارائه می دهند. با وجود نظریه های متعدد با در نظر گرفتن موضعی که درباره سه موضوع اساسی میگیرند، آنها را سازماندهی کنیم: موضوع اول: آیا دوره رشد پیوسته است یا نا پیوسته موضوع دوم: آیا یک دوره رشد تمام افراد را مشخص میکند یا چند دوره احتمالی وجود دارد؟ موضوع سوم: نقش عوامل ژنتیکی و محیطی بر رشد.

موضوع اول: کودکان پیش دبستانی خیلی شبیه بزرگسالان به دنیا پاسخ میدهند و تفاوت بین بالغ و نا بالغ صرفاً به مقدار یا پیچیدگی مربوط میشود. و نیز کودکان روش های منحصر به فرد فکر کردن، احساس کردن و رفتار کردن دارند که کاملاً با روشهای بزرگسالان متفاوت هستند. با این حال برخی نظریه پردازان معتقدند که رشد فرآیندی یکنواخت و پیوسته است اما برخی دیگر معتقدند که رشد به صورت مراحل ناپیوسته صورت میگیرد.

موضوع دوم: آیا یک دوره رشد تمام افراد را مشخص میکند یا چند دوره احتمالی وجود دارد؟ نظریه پردازان مرحله ای فرض میکنند که افراد در هر جایی، زنجیره رشد یکسانی را دنبال میکنند با این حال حوزه رشد انسان آگاه شده است که کودکان و بزرگسالان در موقعیت های متفاوتی زندگی میکنند. نظریه پردازان امروزی موقعیت ها را طوری در نظر میگیرند که رشد را به صورت چند لایه و پیچیده شکل می دهند.

نقش طبیعت و تربیت

هر نظریه ای علاوه بر شرح دوره رشد انسان، عوامل موثر بر رشد را هم در نظر میگیرد (عوامل ارثی و محیطی) یا مجادله قدیمی طبیعت در برابر تربیت.

طبیعت عبارت است از اطلاعات ارثی که در لحظه لقاح از والدین خود میگیریم و تربیت یعنی نیروهای پیچیده دنیای مادی و اجتماعی که بر ساخت زیستی و تجربیات روان شناختی ما قبل و بعد از تولد تاثیر میگذارد. آن نظریه پردازان که بر ثبات تاکید دارند _ اینکه افرادی که در یک ویژگی بالا یا پایین هستند مثل توانایی کلامی، اضطراب یا معاشرت ی بودن، در سنین بعدی هم به همین صورت باقی می مانند، معمولاً بر وراثت تاکید دارند.

نظریه پردازان محیط گرا رشد را به صورتی که انعطاف پذیری زیادی دارد در نظر میگیرند. یعنی در پاسخ به تجربیات تاثیر گذار، تغییر پذیر است

دور نمای عمر: دیدگاهی متعادل: برخی از نظریه پردازان امروزی معتقدند که تغییرات پیوسته و نا پیوسته رخ میدهند. شماری قبول دارند که رشد ویژگی های همگانی و ویژگی های منحصر به هر فرد و موقعیت های او را دارد. تعدادی نیز وراثت و محیط را به صورت در هم تنیده در نظر میگیرند که هر یک توان دیگری را برای تفسیر کردن صفات و قابلیت های کودک تحت تاثیر قرار میدهد.

در نیمه اول قرن بیستم تصور میشد که رشد در نوجوانی متوقف میشود اما تغییرات ماهیت جمعیت در آمریکای شمالی، پژوهشگران را بر آن داشت که دستاورد ها در

عملکرد دائمی هستند. پژوهشگران به طور فزاینده ای رشد را به صورت سیستم پویا در نظر میگیرند؛ فرآیندی که پیوسته جریان داشته و از لقاح تا مرگ گسترش دارد و تاثیرات زیستی، روان شناختی و اجتماعی آن را تشکیل میدهند. رویکرد اصلی سیستم ها پویا دیدگاه عمر است. چهار فرض این دیدگاه گسترده را تشکیل می دهد.

رشد: ۱. دائمی است ۲. چند بعدی و چند جهتی است ۳. بسیار انعطاف پذیر است ۴. تحت تاثیر چندین نیروی تاثیر گذار برهم قرار دارد. رشد دائمی است: در هر دوره رشد تغییر در سه زمینه کلی (جسمانی، شناختی و هیجانی) رخ میدهد که این زمینه ها هم پوش هستند و بر یکدیگر تاثیر می گذارند. در هر دوره سنی شباهت های وجود دارد و در عین حال چالش های که افراد با آنها روبه رو میشوند و سازگاری های که میکنند، از نظر زمان و الگو متفاوت هستند. رشد چند بعدی و چند جهتی است: از دیدگاه عمر، چالش ها و سازگاری های رشد چند بعدی هستند و آمیزه پیچیده ای از نیروهای زیستی، روانشناختی و اجتماعی بر آن تاثیر دارند. رشد در طول عمر، حداقل از دو نظر، چند جهتی نیز هست: اولاً رشد به عملکرد بهتر محدود نمی شود، بلکه در هر دوره، جلوه مشترکی از رشد و افول است. اگرچه دستاوردها در اوایل زندگی و فقدان ها در سال های آخر عمر خیلی محسوس هستند، افراد تمام سنین میتوانند مهارتهایی را کسب کنند که کاهش عملکرد آنها را جبران کنند. دوماً تغییر علاوه بر اینکه در طول زمان چند جهتی است، در هر زمینه رشد هم چند جهتی است.

رشد انعطاف پذیر است: پژوهشگران عمر تاکید دارند که رشد در تمام سنین انعطاف پذیر است. عملکرد عقلانی نیز با بالا رفتن سن انعطاف پذیر می ماند.

افراد سالخورده به آموزش ویژه با دستاوردهای قابل توجهی در انواع توانایی های ذهنی، پاسخ می دهند. با این حال رشد به تدریج کمتر انعطاف پذیر میشود به طوری که توانایی و فرصت برای تغییر کاهش می یابد. انعطاف پذیری در میان افراد بسیار متفاوت است.

رشد تحت تاثیر نیروهای متعدد و تاثیرگذار است: رشد تحت تاثیر نیروهای متعدد زیستی، تاریخی، اجتماعی و فرهنگی قرار دارد که در سه طبقه سازماندهی میشوند ولی باهم عمل میکنند. تاثیرات مربوط به سن: رویداد های که با سن ارتباط دارند و میتوان پیش بینی کرد چه موقع اتفاق می افتند و چه مدت ادامه می یابند اما تاثیرات مربوط به سن در کودکی و نوجوانی خیلی متداول

هستند. تاثیرات مربوط به تاریخ: رشد تحت تاثیر نیروهایی قرار دارد که منحصر به دوره تاریخی خاصی هستند. مانند: بیماری های همه گیر، جنگ ها، پیشرفت تکنولوژی و... . تاثیرات مربوط به تاریخ توضیح می دهند که چرا افراد همدوره شباهت هایی باهم دارند که آن ها را از افراد دیگر دوره ها متمایز میکند.

تاثیرات غیرهنجاری: تاثیرات مربوط به سن و مربوط به تاریخ، هنجاری هستند. زیرا بر تعداد زیادی از افراد به شیوه مشابه تاثیر میگذارند. تاثیرات غیرهنجاری فقط برای یک یا چند نفر اتفاق می افتند و از جدول زمان بندی قابل پیش بینی تبعیت نمیکنند در نتیجه چندجهتی بودن رشد را افزایش میدهند. به علت تصادفی بودن این رویدادها پژوهشگران به سختی میتوانند آن ها را بررسی کنند. تاثیرات غیرهنجاری

در رشد بزرگسالان امروزی قوی تر و تاثیرات مربوط به سن ضعیف تر شده اند. با این وجود سن همچنان سازمان دهنده قدرتمند تجربیات روزمره است و انتظارات مرتبط با سن از بین نرفته اند ولی شاخص های سنی مبهم شده و در بین گروه های قومی و فرهنگ ها تفاوت دارند.

دیدگاه عمر درباره رشد: نظریه های عمر، رشد را به صورت شاخه های درختی در نظر میگیرند که در جهت های مختلف امتداد یافته اند. بسته به موقعیت هایی که در زندگی فرد اتفاق می افتد چندین مسیر بالقوه امکان پذیر است. هر شاخه بیانگر مهارت بالقوه ای در یکی از زمینه های اصلی رشد است. شاخه هایی که یکدیگر را قطع میکنند نشان دهنده ارتباط زمینه های جسمانی، شناختی، هیجانی و اجتماعی با یکدیگر است.

"سرآغاز علمی" داروین: پیشگام بررسی علمی کودک. چارلز داروین طبیعت شناس بریتانیایی، تنوع بی نهایی را در گونه های گیاهی و حیوانی مشاهده کرد. او از این مشاهدات نظریه تکامل معروف خود را ساخت. این نظریه بر دو اصل تاکید داشت: انتخاب طبیعی و بقای اصلح. داروین توضیح داد که علت بقای برخی گونه ها در توانایی سازگاری خویش با محیط اطراف است. تاکید داروین بر ارزش انطباقی ویژگی های جسمانی و رفتار به نظریه های مهم رشد راه یافت.

داروین در جریان کاوش های خود دریافت که رشد پیش از تولد در تعدادی از گونه ها بسیار مشابه است. تلاش هایی که برای شبیه دانستن رشد کودک و گونه انسان

صورت گرفت پژوهشگران را ترغیب کرد تا تمام جنبه های رفتار کودکان را به دقت مشاهده کنند. از این تلاش های مقدماتی برای اثبات عقیده ای درباره رشد، بررسی علمی کودک به وجود آمد. دوره هنجاری: جی استنلی هال روانشناس آمریکایی که به عنوان بانی جنبش بررسی کودک محسوب میشود به همراه شاگردش آرنولد گزل با الهام از نظریه داروین نظریه هایی را براساس دیدگاه تکامل ساختند. آن ها رشد را به صورت فرایند رسش در نظر گرفتند که به صورت ژنتیکی تعیین شده و به طور خودکار شکوفا میشود. بر اثر تلاش آن ها برای توصیف تمام جنبه های رشد، رویکرد هنجاری راه اندازی شد که به موجب آن از عده زیادی ارزیابی های رفتاری به دست می آید و برای نشان دادن رشد عادی میانگین های مربوط به سن محاسبه میشوند. هال پرسشنامه هایی را برای کودکان سنین مختلف درباره آنچه کودکان از خود میدانند طراحی کرد. گزل اطلاعاتی را از طریق مشاهده و مصاحبه با والدین جمع آوری کرد. او همچنین آگاهی درباره رشد کودک را برای والدین معنی دار کرد. وی معتقد بود اگر جدول زمانبندی رشد حاصل میلیون ها سال تکامل باشد در این صورت کودکان به طور طبیعی از نیازهای خود آگاه هستند.

جنبش آزمون روانی روانشناس فرانسوی آلفرد بینه به همراه همکارش تئودور سیمون برای رسیدگی به مسائل تحصیلی عملی اولین آزمون هوش موفقیت آمیز را ساختند. در سال ۱۹۱۶ آزمون بینه در دانشگاه استنفورد تنظیم شد. از آن پس نسخه انگلیسی این آزمون به مقیاس هوش استنفورد_بینه مشهور شده است. آزمون بینه نمره ای را در اختیار گذاشت که میتوانست پیشرفت تحصیلی را با موفقیت پیش بینی

کند. همچنین علاقه زیادی را به تفاوت های فردی در رشد برانگیخته کرد. مقایسه نمرات افرادی که از نظر ویژگی های انتسابی تفاوت دارند تمرکز اصلی پژوهش شد و آزمون های هوش در صف مقدم مجادله طبیعت_ تربیت قرار گرفتند.

"نظریه های اواسط قرن بیستم" دیدگاه روان کاوی

بر طبق دیدگاه روان کاوی افراد، یک رشته مراحل را میگذرانند که در آن ها با تعارض هایی بین سایق های زیستی و انتظارات اجتماعی روبرو میشوند. نحوه ای که این تعارض ها حل میشود توانایی فرد را در آموختن، کنار آمدن با دیگران و مقابله کردن با اضطراب را تعیین میکند. دو تن از افراد تاثیرگذار در دیدگاه روان کاوی، زیگموند فروید بنیان گذار آن و اریک اریکسون بودند.

نظریه فروید: فروید برای درمان بیمارانش از آن ها میخواست رویدادهای عذاب آور دوران کودکی خود را آزادانه بیان کنند. او انگیزش های ناهشیار بیماران خود را بررسی کرد و نظریه روانی_جنسی را ساخت. در این نظریه سه بخش شخصیت در پنج مرحله یکپارچه میشوند. نهاد: بزرگترین قسمت ذهن، منبع نیازها و امیال زیستی. خود: قسمت هشیار و منطقی شخصیت. در اوایل نوباوگی پدیدار میشود تا تکانه های نهاد را طوری هدایت کند که روی چیزهای مناسب به شیوه قابل قبول تخلیه شوند. فراخود یا وجدان: بین ۳ تا ۶ سالگی از طریق تعامل با والدین که تاکید دارند کودک باید از ارزش های جامعه پیروی کند شکل میگیرد. خود همواره با دو بخش دیگر در تعارض و کشمکش قرار دارد.

مراحل روانی جنسی فروید: دهانی: از تولد تا یک سالگی فعالیت های مکیدن بچه را به سمت پستان یا شیشه شیر هدایت میکند. در صورت برآورده نشدن نیازهای دهانی، فرد عادت هایی نظیر مکیدن شست، ناخن جویدن و پر خوری و سیگار کشیدن را پرورش خواهد داد. مقعدی: از یک تا سه سالگی به مهارت کنترل ادرار و مدفوع اختصاص دارد در صورت سهل انگاری یا سخت گیری والدین تعارض هایی درباره کنترل مقعدی ممکن است آشکار شود. آلتی: از سه تا شش سالگی لذت کودکان از تحریک اندام تناسلی اتفاق می افتد. تعارض ادیپ برای پسران و تعارض الکترا برای دختران به معنی داشتن احساس جنسی به والد جنس مخالف است. ترس از تنبیه موجب رها کردن این میل و پذیرفتن خصوصیات و ارزش های والدهمجنس میشود و فراخود به وجود می آید. نهفتگی: از شش تا یازده سالگی غرایز جنسی خفته هستند و هنگامی که کودک ارزش های اجتماعی تازه ای را یاد میگیرد فراخود تقویت میشود.

پایان جلسه اول غیر حضوری

موفق باشید.
